معرفت _____ سال بیست و نهم، شماره دوم، پیاپی ۲۶۹، اردیبهشت ۱۳۹۹، ص ۹ـ۱۷

سیر تطور مسجد جامع اموی دمشق

صفیه رضایی/ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات قم s.sreza257@yahoo.com
مجید شاکر سلماسی/ دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب shaker1361@gmail.com
دریافت: ۹۸/۵/۱۱ **پذیرش:** ۹۸/۱۱/۲۵

چکیده

شناخت پیشینه مساجد و تاریخ معماری آن می‌تواند زمینه‌ساز شناخت تمدن اسلامی باشد. مسجد اموی دمشق یکی از شاهکارهای معماری اسلامی به‌شمار می‌رود، و شناخت پیشینه و معماری آن می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری تمدن اسلام مفید باشد.
این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی و در قالب مطالعه‌ای کیفی به انجام رسیده و به دنبال پاسخ به این پرسش است که سیر تکوینی مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی در سطح در زمانی» و «همزمانی» چه نقشی در شکل‌گیری زیبایی‌شناسی ساختار بناهای دوره اسلامی به‌ویژه قبةالصخره و مسجد جامع دمشق داشته است؟ نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که برخی از بناهای اوایل دوره اسلامی در سطح زمانی نتیجهٔ آمیزش و تلافی فرهنگ‌های مختلف بوده‌اند و زیبایی‌شناسی آنها از ویژگی چند فرهنگی برخوردار است.
در این مقاله به تاریخ شکل‌گیری مسجد اموی به‌عنوان یکی از آثار تمدنی بزرگ اسلام و نیز پیوند و ارتباط این تمدن عظیم اسلامی با سایر تمدن‌های موجود مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، مسجد اموی دمشق، معماری اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از زمان شکل‌گیری اسلام و گسترش آن در قلمرو وسیع جغرافیایی در طول زمان، مهم‌ترین ساختمان با بنای مورد توجه مسجد بوده که نمادی از وحدت ملت‌های مسلمانان بوده است. در حوزه معماری و مطالعات معماری به‌ویژه معماری اسلامی مطالعات و پژوهش‌های فراوانی درباره مساجد و کالبد آنها انجام شده که بیشتر آنها در موضوع‌های فنی و تخصصی انجام گرفته‌اند، که در جای خود بسیار ارزشمند هستند. در حوزه مطالعات هنر اسلامی نیز، به جرئت می‌توان گفت که بخش اعظم تاریخ‌نویسی هنر اسلامی را مطالعات معماری و بناها تشکیل می‌دهد. در واقع شرق‌شناسان و تاریخ‌نویسان غربی هرجا سخن از هنر اسلامی به میان آورده‌اند، توأمان با معماری و بررسی بناهای مذهبی و نیز بناهای غیرمذهبی بوده است. اما نگاه معماران و محققان معماری تفاوتی اساسی با نگاه تاریخ‌نویسان دارد. به‌گونه‌ای‌که مورخان، بناها را صرفاً در قالبی زیبایی‌شناسانه و پدیدارشناسانه توصیف و سپس در برخی موارد تحلیل کرده‌اند. تحقیقات کسانی که منحصر به معماری است، فنی‌تر و عمیق‌تر است که البته کمتر به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه توجه کرده‌اند. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با رویکردی معاصرتر، یعنی از منظر زیبایی‌شناسی، دو نمونه از بناهای مذهبی (مساجد) دوره اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم. این مقاله در تلاش است تا در تکوین مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی، بناهای اسلامی را با تأکید بر نقش تلافی فرهنگ‌ها و تأثیر آن در شکل‌گیری بناهای دوره اسلامی به‌ویژه قبةالصخره و مسجد جامع دمشق بررسی و نشان دهد که تأثیر فرهنگ‌ها بر یکدیگر که اغلب توسط عوامل مختلفی مثل کشورگشایی، شورش، و حتی تعاملات سیاسی انجام می‌گرفته، چگونه باعث تولد و زایش متون جدید فرهنگی در قالب بناها و آثار هنری شده است؛ به عبارتی دیگر، پیدایش فرهنگی تحت عنوان فرهنگ ایرانی ـ اسلامی محصول تعامل بین فرهنگ اسلام اعراب و ایران باستان است. این تعامل فرهنگی در مرحله نخست توسط عامل جنگ با یورش به وجود آمد، اما پیامد آن شکل‌گیری فرهنگ و هنری است که در قالب هنر و معماری دوره اسلامی خود را نشان داده است. به همین دلیل نمونه‌های انتخابی این مقاله نیز ازجمله بناهایی هستند که در حقیقت مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی آنها متأثر از تلافی، تأثیر و تعامل بین فرهنگ‌ها بوده است.

فرضیه قابل طرح در این مقاله آن است که به نظر می‌رسد روند تکوین و شکل‌گیری ساختار کالبدی و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی برخی از بناهای دوره اسلامی تحت تأثیر تعاملات و ارتباطات بین فرهنگی بوده است. اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که امروزه مطالعات میان‌فرهنگی و بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در چگونگی شکل‌گیری بناها و حتی آثار هنری دوره اسلامی می‌تواند ما را در فرایند پژوهش‌ها و مطالعات کیفی در این خصوص یاری دهد و نتایج قابل‌توجهی به همراه داشته باشد. ما معتقدیم که در کنار مطالعات کاملاً فنی و معمارانه، توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی بناها می‌تواند تکمیل‌کنندهٔ پژوهش‌های دیگر پژوهشگران معمار و یا دانش‌آموختگان معماری باشد.

۱. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله ساختار روش‌شناسی بر سه محور اساسی استوار است: ۱. روش تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی است و ذیل پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، ابتدا یافته‌ها ارائه شده‌اند و پس از توصیف مطالعات موردی با نمونه‌های انتخابی به تحلیل آنها پرداخته شده است. ۲. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و تمامی اطلاعات و داده‌ها براساس مطالعات نظری گردآوری شده‌اند تا بر این اساس و با استناد بر آنها بتوان ازیک‌سو به پرسش پژوهش پاسخ داد، و از سوی دیگر به قوام مبانی نظری پژوهش افزود. ۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به صورت کیفی انجام گرفته و با تحلیل‌های ساختاری به انجام رسیده است. به عبارت دیگر، در این روش در کنار استدلال‌های عقلانی و نظری مبتنی بر رویکرد تعاملات فرهنگی داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل‌های ساختاری قرار گرفته‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش: فرهنگ و ارتباطات بین فرهنگی

در جوامع متفاوت، فرهنگ معانی گوناگونی دارد و به نظر می‌رسد که هنوز معنای واحدی از فرهنگ در میان صاحب‌نظران و محققان وجود ندارد. اصطلاح فرهنگ نخست مفهومی بین‌رشته‌ای است. به همین دلیل تعمیم برخی از مسائل و مفاهیم به فرهنگ، گریزناپذیر است. از این جهت فرهنگ مقوله‌ای نسبی است که در ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها معنا می‌یابد (دامپر، ۲۰۰۷، ص ۲۷). به دلیل همین ویژگی بین‌رشته‌ای بودن فرهنگ است که بین مطالعهٔ فرهنگ،

انسان‌شناسی فرهنگ، شأن‌شناسی فرهنگ تفاوت‌هایی وجود دارد.

تامپسون می‌نویسد: «فرهنگ را مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از اعتقادات، آداب و رسوم، اشکال معرفت هنر و مانند آن باید دانست که افراد آنها را به‌مثابه اعضای جامعه‌ای خاص کسب می‌کنند و این مجموعه می‌تواند به روش علمی و به صورت مکتب پیچیده، مورد مطالعه قرار گیرد» (تامپسون، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

بنابراین در اینجا می‌توان گفت که فرهنگ نظام درونی‌شدهٔ اجتماعی است که جامعه آن را به یک‌باره خلق نکرده، بلکه پیش از ما نیز همواره وجود داشته است. *استوارت‌هال* معتقد است: «فرهنگ، سازوکارها با مکانیزم جاافتاده‌ای است که ویژگی جامعه، طبقه، یا گروهی خاص را در مقطع تاریخی خاصی نشان می‌دهد. فرهنگ دربردارنده ایدئولوژی‌های عملی است که جامعه را قادر می‌سازد تا موقعیت وجودی خودش را تجربه و تفسیر، و معنای آن را دریافت کند» (هال، ۱۹۹۹، ص۷). در این میان باید توجه داشت که تمایز بین فرهنگ‌ها اهمیت بسیاری دارد و همین مسئله باعث می‌شود تا فرهنگ، پویا و فعال جلوه کند؛ زیرا هر فرهنگی وقتی در مقابل فرهنگ دیگری قرار می‌گیرد معنا و هویت خود را بروز می‌دهد؛ چراکه از سویی فرهنگ عبارت است از رفنارها و فرایندهای تولید معنا با متونی که در جریان زندگی روزمره با آن مواجه هستیم. بنابراین، فرایند معناسازی به‌خودی‌خود و صرفاً در درون خود فرهنگ انجام نمی‌شود؛ بلکه در فرایند ارتباطات بین دیگر فرهنگ‌ها رخ می‌دهد. ازاین‌رو اعتقاد به فرهنگ مسلط و به عبارتی اعتقاد به رویکردی تحت عنوان «خود و نه دیگری باعث انزوای آن فرهنگ و عدم ابراز معنا و هویت أن می‌شود. *هال* می‌نویسد: «هویت پیوسته نیازمند نگاه دیگری است. این خودی» است که در نگاه دیگری انگاشته شده است؛ مفهومی که مرزها را فرو می‌ریزد، مرز بین درون و برون، میان آنهایی که به آن جا تعلق دارند و آنهایی که تعلق ندارند (هال، ۱۹۹۹، ص ۴۴). از این حیث بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و هنری مانند سازه‌های ساخته‌شده توسط بشر، مثل بناها. در دو سطح در زمانی و همزمانی محصول تعاملات بین فرهنگ‌ها هستند، که در فرایند جذب و طرد مؤلفه‌های فرهنگ دیگری، شکل خود را باز یافته‌اند و پدیده‌های فرهنگی و حتی خود فرهنگ نیز همواره در مرز روابط بین فرهنگی شکل می‌گیرند و از طریق تمایز بین خود و دیگری ایجاد می‌شوند. گوش این تمایز و تماس فرهنگی را بدین شکل تبیین می‌کنند. آنچه از نظر تاریخی در مرحله نخست قرار دارد، تماس و آنچه در مرحله دوم قرار می‌گیرد، عمل تمایز است که تفاوت‌های فرهنگی را می‌آفریند. هر جمع، در وضعی مشخص، ممکن است برای دفاع از خصوصیت خود وسوسه شود و برای این کار با استفاده از شگردهای گوناگون بکوشد و دیگران و خود را قانع کند که الگوی فرهنگی اش الگویی خاص است، که تنها به او تعلق دارد (کوش، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵). اما می‌توان گفت که تاریخ هنر و معماری اسلامی نشان داده که این مقاومت ناپایدار بوده است؛ زیرا هیچ نظام فرهنگی نمی‌تواند از نظام‌های دیگر بر کنار بماند و راه انزوا در پیش گیرد. برخورد و تماس فرهنگی بین نظام‌های فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است (یوسفیان، ۱۳۶۸). این ناپایداری عمدتاً به دلیل عوامل تغییردهنده بوده که از آن جمله می‌توان به شورش، انقلاب با اشاعه فرهنگ و فکر مسلط از طریق مجاری گوناگون اشاره کرد. در حقیقت، اشاعه جریانی است که در آن مسائل و مؤلفه‌های فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر انتقال می‌یابد. این اشاعه گاهی به شکل غیرمستقیم، یعنی توسط گروه ثالث انجام می‌گیرد، اغلب بازرگانان خصوصیتی از جامعه را می‌گیرند و به جامعه دیگر منتقل می‌کنند (عسگری خانقاه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۶). پس تا اینجا می‌توان گفت تغییرات اجتماعی، سیاسی و تاریخی، عوامل مهم ایجاد تعاملات و شکسته شدن مرزها هستند و این منجر به تلاقی فرهنگ‌ها و در نهایت باعث تولید و زایش متون فرهنگی جدیدتر می‌شود، همچنان‌که هنرهای جهان اسلام و جهان غرب به طور بدیهی در نقاطی با هم تلاقی پیدا می‌کنند و هر دو در جهان کهن متأخر ریشه‌های مشترک دارند (بویل، ۲۰۰۷، ص ۲۳). برای تبیین این پیچیدگی روابط بین فرهنگ‌ها و تأثیرهای متقابل آنها، می‌توان به آثار یکی از مورخان مهم معماری، *اسبیرو کاستوفه* (۱۹۸۵) رجوع کرد که استانبول معاصر و ونیز را در بررسی‌های کار خود هم قرار داد.

هر بنا یا اثری که در بستر فرهنگی خاص ساخته شده است، گاهی حاوی نشانه‌های فرهنگ‌های دیگر نیز هست (مانند نمونه‌های انتخابی این مقاله)، و کانون آمیختگی فرهنگ‌ها تلقی می‌شود. ازاین‌رو زیبایی‌شناسی آن مدیون همین تلاقی و اختلاط فرهنگی است؛ زیرا حتی در یک سطح دیگر ممکن است باعث جذب مخاطبانی از فرهنگ‌های گوناگون شود. به طور مثال، آیا تاج محل بنایی هندی است؟ آیا ایرانی است یا مغولی؟ اولین پاسخ این است که هندی است؛ زیرا در هندوستان واقع شده است. اما با دقت بیشتر می‌توان گفت که این بنا، هندی، ایرانی، مغولی است؛ یعنی

کانون آمیزش فرهنگ‌ها (سجودی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). بنابراین فرهنگ تمامی بشریت در حقیقت نظام‌بسته و مستقل و قائم به ذاتی را تشکیل می‌دهد، اما فرهنگ‌های بابل با مناطق، به‌هیچ‌روی دستگاه‌های مستقل و غیروابسته نیستند، بلکه همواره در معرض تأثیر فرهنگی قرار دارند (وایت، ۱۳۷۹، ص ۳۹). براین‌اساس هر فرهنگ پیش از آنکه متأثر از سایر فرهنگ‌ها، یا پیش از آنکه تأثیرگذار بر دیگر فرهنگ‌ها باشد، یک نظام مستقل تلقی می‌شود. اما زمانی‌که دچار دگرگونی و تلافی با دیگر فرهنگ‌ها شود، از وضعیت مستقل قائم به ذات خود خارج می‌شود و وارد حوزهٔ پویا، دگرگون‌شونده و چندوجهی می‌شود.

۳. قبةالصخره

تا قبةالصخره که بنای آن در سال ۶۹۱م، در بیت‌المقدس به اتمام رسید. از اولین آثار هنری دوره امویان است و نیز از نخستین آثار باقی‌مانده اسلامی به‌شمار می‌رود. قبةالصخره در نهایت با معراج پیامبر اکرمﷺ از مسجدالاقصی و عروج او از قبه به آسمان گره خورده است. در واقع محل اصلی بنا در کوه موریا است که به طریق سنتی محل معبد یهود بوده و با تعدادی از داستان‌ها و وقایع تاریخی مرتبط است و نیز تزیین با هنر بیزانسی و جواهرات و نقش‌مایه‌های ساسانی آن به صورت جزئی و قرار گرفتن آنها در نقطه قابل توجه شهر بیت‌المقدس و بارنمایی آیات قرآنی در دور تا دورنمای بیرونی‌اش، نشان می‌دهد که هدف از بر پا کردن آن، تأکید بر پیروزی اسلام بوده که در دین دیگر توحیدی را کامل کرده است.

برخی محققان، این بنا را نماد پیروزی و حتی مکانی برای زیارت مسلمانان سرتاسر جهان برای هماوردی با مکه، اگر نگوییم جانشینی آن، قلمداد می‌کنند، اما محل قرارگیری و شکل آن نیز نظرهای دیگری را برانگیخته است، این بنا بر باارزش‌ترین قطعهٔ زمین در همهٔ بیت‌المقدس استوار شده؛ سکوی وسیع و بلندی که معبد سلیمان بر آن قرار داشت و یهودیان و مسیحیان را از زمان ویرانی معبد مذکور به دست *تیتوس* (Titus) در سال ۷۰ پس از میلاد، از آن دور داشته بود (هیلن براند، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

بر این اساس، باید توجه کرد که علی‌رغم اختلاف قبةالصخره و مقبرهٔ مقدس مسیحیان، محل قرار گرفتن قبةالصخره بسیار حائز اهمیت است و بنایی که از حیث ایدئولوژیکی در کنار تفکر فرهنگ دیگری قرار گرفته و این شاید به دلیل اثبات پیروزی اسلام بر دیگران بوده است.

ناب‌ترین موزائیک‌های دیواری بیزانسی، به میزانی که در هیچ کلیسای قدیمی باقی‌مانده از معماری بیزانس سابقه ندارد، برای تزئین درون و بیرون قبةالصخره به‌کار گرفته شده است. نقش‌مایه غالب را که به‌صورت نباتات، درختان و جام‌های جواهرنشان متجلی می‌شد، نماد پیروزی مسلمین، معبد سلیمان و خود بهشت تفسیر کرده‌اند (همان، ص ۲۵).

بسیاری از تاریخ‌نگاران و جهانگردان که از دمشق دیدن کرده‌اند، آن را به‌صورت کامل توصیف کرده‌اند. در گزارش‌های تاریخی زینت سقف و دیوارهای مسجد و سنگ‌های مرمر به‌کاربرده‌شده در این مسجد آمده است. تاریخ‌نویس، این مسجد بزرگ را اثر تمدنی مردم سوریه دانسته و بر هنر سوری بودن تأکید کرده و نوشته است این مسجد هنر یونانی و بیزانسی نیست (حتی، ۱۹۸۳، ص ۱۳۳).

این مسجد با داشتن محراب نماز مسلمانان و مسیحیان، خاص‌ترین مسجد در جهان است. محراب کلیسا نتیجه ساخت اولیه مسجد است که کلیسای یحیی معمدان بوده است.

مناره شمالی که قدیمی‌ترین سه مناره این مسجد است، در زمان *ولیدبن عبدالملک* ساخته شده، که ساخت مناره‌های مربع شکل در سایر مساجد از این نمونه‌برداری شده است.

در داخل این مسجد قبر یوحنا تعمیددهنده و یحیای پیامبر وجود دارد و هیچ اثری از مسیحیت در این مسجد بجز نگاره‌ای از مسیحیان یونانی که درباره حضرت عیسیؑ است، وجود ندارد.

در گوشه‌ای از این مسجد روزنه‌ای مشهور به مقام رأس‌الحسین است که سر مبارک امام در دمشق آنجا نگهداری شد و با گسترش مسجد در یکی از گوشه‌های آن قبر *صلاح‌الدین ایوبی* واقع شده است.

این مسجد سه بار دچار آتش‌سوزی شده است. اولین بار در سال ۱۰۶۹، و بار دوم در سال ۱۴۰۰ به دست *تیمور لنگ*، و بار سوم در سال ۱۸۹۳ بوده است.

۴. تاریخ مسجد اموی

۴ـ۱. ساختمان مسجد قبل از اسلام

تاریخ این مسجد به ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. زمانی که حکومت آران در این منطقه حاکمیت داشت و آهنگر آرانی را عبادت می‌کردند.

در زمان آرانی‌ها این معبد نقش اساسی داشت تا زمانی که رومی‌ها دمشق را در سال ۶۴م تصرف کردند و معبد آرانی‌ها را به

معبد ژوپیتر تبدیل کردند (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۶).

معبد ژوپیتر به دست مهندس دمشقی به نام *ابولودوروس* طراحی و معماری جدیدی را تجربه کرد (کلکلانی و عبدالکریم، ۲۰۰۳، ص ۲۸). در برخی گزارش‌های تاریخی آمده مردم دمشق از معماری جدید استقبال کردند؛ چراکه معماری جدید بدون تغییر در اساس طرح قدیم بوده و فقط برخی مجسمه‌های تنومند در اطراف آن ساخته شد و محوطه معبد گسترش یافت (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۴۰).

در گوشه‌هایی از معبد برج‌های بلندی به پیروی از فرهنگ گذشته که قربانیان خود را در مکان‌های رفیع انجام می‌دادند، ساخته شد. گفته‌شده این برج برای اطلاعات آب و هوایی کاربرد داشته است (همان، ص ۶۷ـ۶۸) و ضریح یحیای پیامبر همچنان در وسط ساختمان عبادت مسجد است.

گسترش و معماری جدید معبد ژوپیتر که بعدها محل عبادت رومیان شد، در واقع به هدف رقابت با معبد یهودیان در قدس ساخته شد (همان، ص ۶۵).

در زمان حکومت رومیان این معبد رونق بسیاری داشت، به‌طوری‌که کاهنان این معبد در آن دوره ثروت زیادی اندوختند. ثروتی که اغلب برای صدقات به معبد از سوی مردم هدیه می‌شد (همان، ص ۷۲). در دورهٔ حاکمیت *سپتیموس سیفیروس* (حکومت ۱۹۳ـ۲۱۱ م) در شرقی این معبد ساخته شد که از معماری بسیار زیبا برخوردار است (بورساک و بورن، ۲۰۰۱، ص ۴۷ـ۴۸). این در بزرگ که به سمت شرقی مسجد کنونی باز می‌شود، هنوز از عظمت و زیبایی منحصربه‌فردی برخوردار است و تا قبل از بحران سوریه یکی از جاذبه‌های توریستی مسجد به‌شمار می‌رفت.

در قرن ۴م این معبد به واسطهٔ دیوارهای بلندی محصور گشت و از سایر ساختمان‌های آن دوره جدا شد (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۶۲).

اواخر قرن چهارم میلادی این معبد به دستور *تئودئوس یکم* (حکومت ۳۷۹ـ۳۹۵) زیرنظر کلیسای سن پیترو درآمد.

۲ـ۴. مسجد اموی بعد از ظهور اسلام

در سال ۶۳۴م، دمشق از سوی لشکر مسلمانان آن دوره به فرماندهی *خالدبن ولید* محاصره شد و این منطقه بدون جنگ به دست مسلمانان افتاد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۰، ج ۹، ص ۵۸۵).

۳ـ۴. مسجد در زمان امویان

بعد از فتح دمشق، حکومت اسلامی به دست امویان افتاده بود. حکومتی که دمشق را مرکز خلافت خود انتخاب کرد و *ولیدبن عبدالملک* بسیاری از مهندسان و معماران را برای تجدیدبنای این معبد به‌عنوان مسجد به‌کار گرفت. ولی مسیحیان و کشیش‌های مسیحی هنوز در گوشهٔ جنوب شرقی مسجد به انجام تعالیم دینی خود اشتغال داشتند (ابن‌کثیر، ۱۹۹۰، ج ۱۲، ص ۴۰۴)، ولی *ولیدبن عبدالملک* دستور داد این ساختمان به‌طورکلی مسجد شود و اثری از کلیسا در بنای جدید نماند؛ و این‌گونه بزرگ‌ترین مسجد آن دوره بنا گردید. و ولید در قبال این تغییر که در مسجد جدید انجام داده بود، دستور داد تمام کلیساهای اطراف شهر دمشق در اختیار مسیحیان قرار گیرد و هیچ‌گونه تعرضی به ایشان صورت نگیرد (همان).

بنای این مسجد جدید که توسط *ولیدبن عبدالملک* شروع شده بود، در زمان حکومت *سلیمان‌بن عبدالملک* در سال ۷۱۵م به اتمام رسید (فلود، ۲۰۰۱، ص ۲).

تاریخ‌نگاران در قرن دهم میلادی نوشته‌اند که تجدیدبنا و گسترش مسجد اموی در زمان حکومت امویان، مبلغی حدود ششصدهزار تا یک‌میلیون دینار هزینه داشته که مبلغ بسیار زیادی بود. در ساخت و تجدیدبنای آن از بهترین معماران و مهندسان ایرانی و هندی و یونانی استفاده شد (فلود، ۲۰۰۱، ص ۲).

برخی نوشته‌اند در ساخت‌وساز جدید به غاری برخورد کردند که به کلیسایی زیرزمینی متعلق به دوره بیزانس بود و در آن صندوقی را یافتند که سر مبارک یحیای پیامبر قرار داشت که به دستور *ولید* بدون تغییر به حال خود واگذاشتند و بر سر غار ستونی به‌عنوان علامت گذاشتند (لی استرانگ، ۱۸۹۰، ص ۲۳۳ـ۲۳۴).

۴ـ۴. مسجد در زمان عباسیان

در پی انقلابی که منجر به سقوط امویان در سال ۷۵۰م و روی کار آمدن عباسیان شد، مرکز خلافت اسلامی از دمشق به بغداد منتقل شد و با قطع‌نظر از مصالح سیاسی اقتصادی دمشق، که برای مسلمانان مهم بود، عباسیان چندان رغبتی به منطقهٔ دمشق نداشتند. ازاین‌رو این مسجد تا قرن دهم میلادی، فعالیت و نشاط دوره امویان را از دست داد (فلود، ۲۰۰۱، ص ۱۲۴ـ۱۲۶).

ولی عباسیان همواره این مسجد را به‌عنوان نمادی از نمادهای

اسلام و همچنین نمادی از قدرت و شوکت اسلام گرامی می‌داشتند. ازاین‌رو *فضل‌بن صالح* حاکم دمشق از سوی خلیفه عباسی گنبدی بر سقف این مسجد ساخت.

بعد از نه سال از ساخت گنبد مسجد در حیاط مسجد اتاقی بسیار زیبا و مستحکم به‌عنوان خزانهٔ استانداری دمشق ساخته شد که اموال بیت‌المال در آن نگهداری می‌شد. مأمون عباسی دستور داد مناره‌ای در این مسجد بسازند که این همان منارهٔ عروس است که در قسمت شمالی این مسجد ساخته شده و نیز دستور داد تمام تصاویر و نقش‌ها از بین برود (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۳۱ـ۱۳۲).

در مطلع قرن دهم ساعت بزرگی در ورودی غربی این مسجد ساخته شد که این ساعت ظاهراً در قرن دوازدهم از کار افتاد (فلود، ۲۰۰۱، ص۱۲۱).

۵ـ۴. مسجد در زمان فاطمیان

در قرن دهم، منطقه شام که عملاً به دست حکومت محلی افتاد و جز نامی از حکومت عباسی در این منطقه نمانده بود؛ حکومت فاطمیان مصر دمشق را فتح کردند و بدین‌ترتیب فاطمیان بر دمشق مسلط گشتند و نمادهای شیعی را در این مسجد احیا کردند (بورنس، ۲۰۰۵، ص۱۳۹).

در سال ۱۰۶۹م قسمت‌های زیادی از مسجد در اثر آتش‌سوزی در دیوار شمالی از بین رفت. برخی این آتش‌سوزی را نتیجه اعتراضات مردم دمشق در برابر حکومت فاطمیان داشته‌اند (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۴۰).

۵ـ۶. مسجد در زمان سلجوقیان و ایوبیان

در سال ۱۰۷۸م ترکان سلجوقیان دمشق را از دست فاطمیان گرفتند و بار دیگر دمشق عملاً در دست عباسیان افتاد. حاکم سلجوقی دست به اصلاح خرابی‌های آتش‌سوزی مسجد پرداخت (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۴۱ـ۱۴۲). در سال ۱۰۸۳م *ابونصر احمد* وزیر سلجوقیان گنبد مسجد را به‌صورت بسیار زیباتری تجدیدبنا کرد (فلود، ۱۹۹۷، ص ۷۳).

این مسجد در زمان جنگ‌های صلیبی یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مسلمانان بود. مسلمانان به مرکزیت این مسجد توانستند از شهر دفاع کنند و آزادی قدس توسط کردهای مسلمان به مرکزیت این مسجد انجام شد (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۵۹).

در سال ۱۱۵۴ ساعت دوم مسجد ساخته شد و در ورودی شرقی مسجد جای گرفت (فلود، ۲۰۰۱، ص ۱۱۷ـ۱۱۸). در زمان ایوبیان دمشق به مرکزیت مسجد اموی، شاهد تأسیس مؤسسات و مدارس بسیاری بود. *ابن‌جبیر* جهان‌گرد اسپانیایی (اندلسی) مسجد اموی در دوره ایوبیان را مرکز علوم دینی و قرآنی و فرهنگی مسلمانان منطقه معرفی می‌کند. *صلاح‌الدین ایوبی* نیز نظیر سلف خود در آبادانی مسجد تلاش بسیار کرد (بورنس، ۲۰۰۵، ص ۱۷۶ـ۱۷۷).

صلاح‌الدین ایوبی به‌عنوان قهرمان مبارزه با مسیحیان در جنگ‌های صلیبی و قهرمان آزادسازی قدس در بین مسلمانان منطقه مورداحترام بود و بعد از مرگش در محوطه‌ای نزدیک مسجد اموی دفن شد (بورنس، ۲۰۰۵، ص۱۹۰). البته اکنون قبر *صلاح‌الدین ایوبی* و خلفای مدفون در کنار وی چسبیده به دیوار مسجد می‌باشند.

۵ـ۷. مسجد اموی در دوره ممالیک

بعد از اینکه مغول دمشق را از دست ایوبیان گرفت، *کیتوبوغا* حاکم حکومت مغول در دمشق شد. در سال ۱۲۶۰م *کیتوبوغا* نمایندهٔ *هلاکو خان* با مسیحیان سازش کرد (زایمچل، ۲۰۰۵، ص۲۲).

این مسجد از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۰۰م شاهد کرسی تدریس ابن‌تیمیه بوده، تا اینکه در سال ۱۳۰۰م ایلخانیان مغول به دمشق حمله می‌کند و ابن‌تیمیه نیز از مردم دعوت به جهاد می‌کند. هرچند ابن‌تیمیه در جهاد ناموفق بود، ولی *منصور قلاوون* حاکم ممالیک توانست از دمشق محافظت کند (وینتر و لوانونی، ۲۰۰۴، ص۳۳). سرانجام در سال ۱۴۰۰م *تیمور* بر دمشق مسلط شد و دستور داد شهر را به آتش بکشند و در این آتش‌سوزی قسمت‌های زیادی از مسجد آسیب دید. در این آتش‌سوزی گنبد و منارهٔ شرقی بکلی تخریب شد. این تخریب‌ها در کمتر از صدسال به دست قایتبای حاکم مملوک‌ها ترمیم و آباد شد.

۵ـ۸. مسجد اموی در دوره عثمانی‌ها

در سال ۱۵۱۶م عثمانی‌ها به رهبری *سلطان سلیم اول* با شکست ممالیک بر دمشق مسلط شدند، و *سلطان سلیم* برای اقامه نماز جمعه وارد مسجد اموی شد (فینکل و وان لیبون، ۱۹۹۰، ص ۹۵ـ۱۰۹).

عثمانی‌ها نظام وقف را برای ارتباط مالی دمشق و حکومت مرکزی به اجرا گذاشتند. *جان جانان غزالی* از سوی *سلطان سلیم* به‌عنوان تولیت مسجد اموی و امور وقف در دمشق مشغول به کار شد. وی اهمیت زیادی به آبادانی مسجد می‌داد و ازاین‌رو تلاش زیادی برای آبادانی و فعالیت آن انجام داد. *جان جانان* در سال ۱۶۶۱م *عبدالغنی نابلسی* را برای تدریس در مسجد اموی انتخاب کرد.

مسجد اموی با تمام اهتمامی که از سوی حاکمیت عثمانی انجام می‌شد، بار دیگر به علت آتش‌سوزی که رخ داد، آسیب دید. گفته شده دلیل این آتش‌سوزی استفاده نادرست یکی از کارکنان مسجد از قلیان بوده است. دوره عثمانی‌ها را می‌توان از دوره‌های شکوه مسجد اموی دانست.

۹ـ۵. مسجد اموی در دوۀ قیمومیت فرانسه

در روزهای جمعه سال ۱۹۲۹م مردم دمشق در مسجد اموی علیه قیمومیت فرانسه بر منطقه اجتماع می‌کردند؛ ولی فرانسوی‌ها هیچ اقدامی بر ضد این تجمعات نمی‌کردند؛ چراکه از جایگاه این مسجد نزد مسلمانان دمشق آگاه بودند (دارک، ۲۰۱۰، ص ۹۱). این مسجد در دوره قیمومیت فرانسه، حالت مسجد خود را حفظ کرد.

۱۰ـ۵. مسجد اموی در دوره معاصر

حافظ اسد رئیس‌جمهور فقید سوریه بعد از استقلال سوریه دستور داد مسجد توسعه یابد و بدین‌ترتیب توسعه مسجد اموی آغاز شد (دارک، ۲۰۱۰، ص۱۹۴).

این گسترش و توسعه شامل منارۀ غربی و حیاط غربی و نیز دیوار شمالی مسجد که به قبر *صلاح‌الدین ایوبی* متصل است، می‌شد. افتتاح مسجد اموی به‌صورت امروزی در سال ۱۹۹۴م انجام شد. *ژان پل دوم* رهبر مسیحیان جهان در سال ۲۰۰۱م از این مسجد بازدید کرد و این اولین باری بود که پاپ از این مسجد بازدید می‌کرد.

در دوران بحران کنونی سوریه این مسجد، با حمایت دولت قانونی از آسیب‌های احتمالی حفظ شده است.

۶. ساختمان و بناهای داخلی مسجد اموی

۱ـ۶. حیاط و حریم مسجد

زمین مسجد به شکل مستطیل است. طول آن ۱۵۶ متر و عرض آن ۹۷ متر هست. حیاط آن بزرگ‌تر از حریم مسجد و رواق‌هاست.

حیاط مسجد از چهار طرف با دیوار محصور شده است. کف حیاط سنگ‌فرش است که در طول تاریخ بارها تعویض شده است. رواق‌های مسجد با ستون‌های سنگی از حیاط جدا شده‌اند.

در داخل حیاط سه اتاق به شرح ذیل وجود دارد:

۱. **اتاق خزانه**: این اتاق چنان‌که اشاره شد در زمان عباسیان شناخته شد و هدف از بنای آن، محل مستحکمی برای نگهداری از بیت‌المال بود.

۲. **اتاق وضو**: این اتاق نیز در زمان عباسیان ساخته شده، ولی در زلزله سال ۱۷۵۹م از بین رفت و توسط حاکم عثمانی در دمشق تجدیدبنا شد. این اتاق با چهارستون سنگی که در وسط آن لوله آب برای وضو گرفتن است وجود دارد و لوله‌ها از جنس مس است.

۳. **اتاق ساعات**: این اتاق در قسمت شرقی حیاط مسجد اموی قرار دارد و ساخت آن در زمان عثمانی‌ها انجام شد. وجه نام‌گذاری آن بدین سبب بود که ساعت‌های مسجد را در آن نگهداری می‌کردند. این اتاق در حقیقت مرکزی بود برای ساعت و زمان‌شناسی (گرافمن و آیالون، ۱۹۹۹، ص۸).

۲ـ۶. داخل مسجد اموی

داخل و حریم مسجد از سه رواق تشکیل شده که هر سه رواق به سمت قبله می‌باشند. در هر سه رواق محراب نماز و منبری وجود دارد. حریم مسجد ۱۳۶ متر طول و ۳۷ متر عرض دارد.

حریم مسجد دارای چهار محراب در دیوار جنوبی به سمت قبله مسجد است. مهم‌ترین محراب، محراب صحابی رسول خداست که در وسط مسجد قرار دارد. محراب مالکی که قدیمی‌ترین محراب است و محراب خطیب و محراب حنفیه و محراب حنابله اسامی این چهار محراب است.

۳ـ۶. نمای مسجد اموی

نمای این مسجد یکی از زیباترین نماهای جهان به‌شمار می‌رود که مسجد را از سایر مساجد متمایز کرده است. این نما در ضلع جنوبی مسجد است که به حیاط مشرف بوده و ۲۵ در چوبی دارد که به داخل حریم مسجد باز می‌شوند.

۴ـ۶. گنبد نسر

یکی از دستاورد *ولیدبن عبدالملک* ساخت بزرگ‌ترین گنبد مسجد اموی بود که در زمان حکومت سلجوقیان این گنبد تجدیدبنا شد و *صلاح‌الدین ایوبی* نیز در زمان خودش آن را اصلاح کرد. این گنبد که از چوب بود، بعد از آتش‌سوزی سال ۱۸۹۳م با سنگ تجدیدبنا شد. این گنبد بالای سر نمازگزاران قرار دارد و ۴۵ متر از زمین ارتفاع دارد و قطر آن ۱۶ متر است. برخی مورخان این گنبد را چنین توصیف کرده‌اند: بزرگ‌ترین اثر تمونی این مسجد گنبد نسر است. گنبد دایره‌ای شکل که بر عظمت و شوکت مسجد افزوده است (دارک، ۲۰۱۰، ص۹۴).

۶ـ۵. مناره‌های مسجد اموی

این مسجد سه مناره دارد. مناره عروس و مناره عیسای پیامبر و مناره قایتبای.

۱. **مناره عروس**: این مناره از قدیمی‌ترین مناره‌های مسجد است که در ضلع شمالی مسجد واقع شده است. تاریخ دقیق ساخت آن معلوم نیست (برونس، ۲۰۰۵، ص ۱۳۱ـ۱۳۲). این مناره برای پخش اذان مورد استفاده قرار می‌گرفت و دارای ۱۶۰ پله است که به اتاق اذان راه دارد.

۲. **مناره عیسای پیامبر**: این مناره در ضلع جنوبی مسجد قرار دارد و ارتفاع آن بالغ بر ۷۷ متر است که طولانی‌ترین مناره مسجد است (مانهیم، ۲۰۰۱، ص ۹۱). برخی گفته‌اند این مناره توسط عباسیان در قرن نهم میلادی ساخته شده است (دارک، ۲۰۱۰، ص ۹۲). درحالی‌که برخی منابع ساخت آن را به دوره امویان منتسب می‌کنند (کمال‌الدین، ۲۰۰۲، ص۱۰۲). قسمت فوقانی این مناره توسط عثمانی‌ها ساخته شده است (مانهایم، ۲۰۰۱، ص۹۱). این مناره مربعی شکل و دارای پنجره‌هایی با معماری عثمانی است که در بالای آن شکل ماه نقش بسته است. به اعتقاد برخی مردم حضرت عیسی در آخرالزمان در این منطقه فرود خواهد آمد و از این جهت این مناره به نام حضرت عیسی نام‌گذاری شده است (کمال‌الدین، ۲۰۰۲، ص ۱۰۲).

۳. **مناره قایتبای**: این مناره را در قسمت غربی مسجد ساخته است. مناره قایتبای هشت ضلعی بوده و سه جزء دارد. این مناره یکی از بزرگ‌ترین آثار معماری اسلامی است و اولین مناره در دمشق هست که بدین شکل ساخته شده است (دارک، ۲۰۱۰، ص ۹۴).

۶ـ۶. تالارهای مسجد اموی

مسجد اموی چهار تالار دیگر دارد که در طول تاریخ نسبت به حکومت‌ها کاربردهای متفاوتی داشت. این چهار تالار به اسامی خلفای راشدین نام‌گذاری شده است: تالار ابوبکر، که در قسمت جنوب شرقی واقع شده و اکنون کاربری موزه دارد. تالار عمر، که در قسمت جنوب غربی است و ساختمان اداره مسجد است. تالار عثمان، که در شمال غرب مسجد است و مهمانان رسمی در این سالن مورد استقبال و پذیرایی می‌شوند. تالار علی، که در قسمت شمال شرقی مسجد قرار دارد و مقام رأس‌الحسین در آن واقع شده است. امروزه این تالار به نام مقام رأس‌الحسین شناخته می‌شود.

۶ـ۷. درب‌های مسجد اموی

این مسجد تاریخی و کهن چهار در ورودی اصلی دارد: درب جیرون، که یکی از درهای اصلی است و در قسمت شرقی واقع شده است. این در از سه قسمت تشکیل شده است؛ درب عمار، که در قسمت شمالی مسجد و زیر مناره عروس قرار دارد. نام دیگر این درب باب الفرادیس است (دارک، ۲۰۱۰، ص ۲۱۴)؛ درب برید، که به دیوار غربی مسجد متصل است. این درب که روبه‌روی درب جیرون است، شباهت زیادی نیز در ساخت به همان درب دارد؛ درب الساعات، که در قسمت غربی دیوار جنوبی قرار دارد.

۶ـ۸. ساعت‌های مسجد اموی

این مسجد در تمام دوره‌ها شاهد ساعت خورشیدی و ساعت فلکی بوده است. اندازه و شکل این ساعت‌ها متفاوت بوده است.

۷. تأثیر مهندسی و معماری مسجد بر تمدن اسلامی

این مسجد یکی از مساجد نادر در جهان اسلام است که شکل و معماری خود را از اولین بنای خود حفظ کرده است. بسیاری از مساجدی که در جهان اسلام ساخته شد، الهام گرفته از مهندسی این مسجد عظیم بوده است.

مسجد الازهر مصر، مسجد بیرس قاهره، مسجد بزرگ قرطبه در اسپانیا، مسجد بزرگ بورسا، مسجد سلیم در استانبول، ازجمله مساجدی هستند که در معماری و مهندسی آنها از مسجد اموی الهام گرفته شده است.

نتیجه‌گیری

قبل از جمع‌بندی بحث، ذکر این نکته ضرورت دارد که با قطع‌نظر از بحث تمدنی و سیر تطوری که مسجد اموی پشت سر گذاشته است؛ این مسجد از ابتدای سیطره امویان تا سالیان سال شاهد نامهربانی‌های بسیاری با اهل‌بیت و محبان اهل‌بیت بوده است و چه بسیار خیانت‌ها و جنایت‌هایی که از سوی امویان و اتباع ایشان در این مسجد، به نام اسلام، رخ نداده است!

ذکر این نکته از این جهت ضرورت دارد که در مقاله جلوه های تمدنی و بنای تریخی این مسجد مورد کنکاش واقع شد و مسیر فرهنگی و ارزشی آن خارج از بحث بوده است و این مسئله می تواند باعث کمرنگ شدن، خیانت‌ها و جنابت‌هایی شود که از سوی امویان و اتباع ایشان در طول تاریخ اعمال شده، باشد.

با مطالعه تاریخ تمدنی و سیر تطوری که این مسجد پشت سر گذاشته است، نباید فراموش کرد که مهم‌ترین انحرافات عقیدتی اسلام

از سوی امویان صورت گرفته است و در همین مسجد بود که بـه مقـام والای امام حسین﵇ و اهل‌بیت والامقـام جسـارت‌هـای فـراوان شـد و اهل‌بیت و شیعیان و مسلمانان واقعی، هیچ گاه خاطره خوبی از امویان و اتباع ایشان در ذهن نداشتند و یاد و نام امویان با خیانت و جنایـت گـره خورده است و در واقع می توان گفت، بررسـی آثـار تمـدنی یـک دوره تاریخی، صرفاً بررسی تمدنی آن دوره است و نباید تمدن کـه دسـتاورد مادی می‌باشد را با فرهنگ آن دوره که دستاورد معنوی است، خلط کرد.

بنا بر آنچه که شرح داده شد، می‌توان نتیجـه گرفـت کـه، تلافـی فرهنگی از طریق مجاری و عوامل گوناگون اجتماعی مانند جنـگ‌هـا و کشورگشایی، در شکل‌دهی و ایجاد مؤلفه‌های زیبایی‌شـناختی و حتـی ساختارهای کالبدی بناها، به‌ویژه معماری اسلامی، نقش مهمی دارد. این فرایند در دو سطح در زمانی و همزمـانی روی مـی‌دهـد و طـی آن در مسیری تکوینی، برخی از فرهنگ‌ها در تلاقی با دیگر فرهنگ‌ها، عناصر و مؤلفه‌هایی را جذب و برخی را طرد می‌کنند. لذا ایـن دیالکتیـک بـین خود و دیگری موجب دگرگونی و یا زایش متون جدید فرهنگی می‌شود. در مورد نمونه‌های انتخابی این مقاله نیز ملاحظه کردیم که اساساً سـیر تکوینی و نحوه شکل‌گیری مؤلفه‌ها و سـاختار زیبـایی‌شناسـی بناهـای مسجد جامع دمشق و قبةالصخره، تحت تأثیر تلافی بین فرهنگ‌ها بوده است. از سویی مشاهده شد که اصولاً جهان‌بینی اسلامی و تأثیر عناصر فرهنگ اسلامی، مانند پرهیز از شمایل‌نگاری و ارائه تصاویر جانوران در بازنمایی زیبایی‌شناسانهٔ نماهای بیرونی، مانند موزائیک‌ها و به طور کلـی ساختار تزیینی آنها، تأثیر عمیق و متحول‌کننده‌ای داشته است. در عـین اینکه بنیان‌های اصلی معماری رومی یا مسیحی آنها به جای خود بـاقی است. این همان ویژگی زیبایی‌شناسی چندفرهنگی است که ما در فرایند مطالعات همزمانی ـ مانند اکنون ـ شاهد آن هستیم؛ به عبارتی، بناهـای دوره اسلامی که تحت تأثیر تلاقی بـین فرهنـگ‌هـا بـوده‌انـد، حـاوی زیبایی‌شناسی چندفرهنگی هستند که در تکثر از یکپارچگی و هماهنگی بین تناسب‌ها برخوردار هستند. بنابراین با توجه به فرضیهٔ مطرح‌شـده در این مقاله، و با توجه به مبانی نظری و یافته‌های این پژوهش، می‌تـوانیم نظریهٔ زیبایی‌شناسی چندفرهنگی معماری دوره اسلامی را مطرح کنیم. ما معتقدیم که نظریهٔ زیبایی‌شناسی چنـدفرهنگی مطـرح‌شـده در ایـن نتیجه‌گیری، مبتنی بر مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تحولات سیاسی در طول دوران شکل‌گیری معماری دوره اسلامی است. در واقع، تلاقـی و ارتباطات بین فرهنگی چه در سیر تاریخی، یعنی فرایند در زمانی آن، و یا در شکل کنونی، یعنی فرایند همزمانی، موجـب زایـش و شـکل‌گیـری پدیده‌های فرهنگی می‌شود که واجد ساختار زیبایی‌شناسی، زبان و بیان چندفرهنگی هستند.

منابع

ابن‌کثیر، ابوالفداء ۱۹۹۰م، ***البدایة و النهایة***، بیروت، مکتبة المعارف.

تامپسون، جان، ب.، ۱۳۸۷، ***ایدئولوژی و فرهنگ مدرن***، ترجمهٔ مسعود اوحـدی، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی آینده پویان.

حتی، فیلیب، ۱۹۸۳م، ***تاریخ سوریا و لبنان و فلسطین***، ترجمـهٔ کمـال الیـازجی، بیروت، دار الثقافه.

سجودی، فرزان، ۱۳۸۸، ***نشانه‌شناسی: نظریه و عمل***، تهران، علم.

عسگری خانقاه، اصـغر، ۱۳۷۲، ***تحـول فرهنگـی و الگوهـای آن***، در: مجموعـه مقالات سمینار جامعه‌شناسی، تهران، سمت.

کوش، دنسی، ۱۳۸۱، ***مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی***، ترجمهٔ فریدون وحیـدا، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما.

هال، استوارت، ۱۹۹۹، «رمزگذاری، رمزگشایی»، ترجمهٔ نیما ملک‌محمدی، در: دیورینگ، سایمون، ***مطالعات فرهنگی*** (مجموعه مقالات)، تهران، تلخون.

هیلن براند، رابرت، ۱۳۸۷، ***هنر و معمـاری اسـلامی***، ترجمـهٔ اردشـیر اشـراقی، تهران، روزنه فرهنگ هنر.

وایت، ارلسلی، ۱۳۷۹، ***تکامل فرهنگ***، ترجمهٔ فریبرز مجیدی، تهران، دشتستان.

یوسفیان، جواد، ۱۳۶۸، «نگاهی به مفهوم فرهنگ»، ***رشد آمـوزش و پـرورش علوم اجتماعی***، سال اول، ش ۲ ص ۲۳، ص ۲۱ـ۲۵.

Bowersock, Glen Warren & Peter Lamont Brown, 2001, ***Interpreting late antiquity: essays on the postclassical world,*** Harvard University Press. ISBN.

Boyle, M. O, 2007, "Working memory and intelligence:The same or different constructs?", ***Psychological Bulletin***, N. 131 (1), p. 30_36.

Burns, Ross, 2005, ***Damascus: A History***, London, Routledge, ISBN.

Calcani, Giuliana, Maamoun Abdulkarim, 2003, ***Apollodorus of Damascus and Trajan's Column: from tradition to project***, L'Erma di Bretschneider, ISBN.

Darke, Diana, 2010, ***Syria***, Chalfont St Peter: Bradt Travel Guides, Second edition.

Dumper, Michael; Stanley, Bruce E, 2007, ***Cities of the Middle East and North Africa: A Historical Encyclopedia,*** , ABC-CLIO.

Flood, Finbarr Barry, 1997, "Umayyad Survivals and Mamluk Revivals: Qalawunid Architecture and the Great Mosque of Damascus", ***Muqarnas. Boston***, BRILL.

Flood, Finbarr Barry, 2001, ***The Great Mosque of Damascus: studies on the makings of an Umayyad visual Culture***, Boston, BRILL. ISBN.

Grafman, Rafi & Myriam Rosen-Ayalon, 1999, "The Two Great Syrian Umayyad Mosques: Jerusalem and Damascus", ***Muqarnas. Boston***, BRILL.

Kamal al-Din, Nuha, 2002, ***The Islamic view of Jesus***, Islamic Books, ISBN.

Mannheim, Philip Khuri Hitti, 2001, ***History of Syria: Including Lebanon and Palestine***, Piscataway, NJ: Gorgias Press LLC.

Van Leeuwen, Richard, 1999, ***Waqfs and Urban structures: the Case of Ottoman Damascus***, BRILL, ISBN.

Winter, Michael & Amalia Levanoni, 2004, ***The Mamluks in Egyptian and Syrian politics and society***, BRILL. ISBN.

Zaimeche, Salah; Ball, Lamaan, 2005, ***Damascus, Manchester: Foundation for Science Technology and Culture***.